

## دانشگاه فرهنگیان

فصلنامه علمی - مطالعات کارورزی در تربیت معلم

دوره اول - شماره ۴ - تاریخ چاپ: زمستان ۱۴۰۰

طراحی و تبیین نقش معلم در ایجاد انگیزه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز

یک پژوهش کیفی به روش روایت‌پژوهی

---

یاسین توکلی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۷

هما رحمانی<sup>۲</sup>

روح اله توکلی<sup>۳</sup>

عبداله توکلی<sup>۴</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۱۳

---

### چکیده

هدف این پژوهش، بررسی نقش معلم در ایجاد انگیزه پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان است. این پژوهش به صورت مطالعه‌ی موردی با رویکرد کیفی و به روش روایت‌پژوهی صورت گرفته است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد، معلم نقش اساسی در ایجاد انگیزه پیشرفت تحصیلی و یافتن تحصیلی دانش‌آموزان دارد. معلم در قدم اول به

---

۱ - دکترای فلسفه تعلیم و تربیت، معاونت امور دانشجویی و توسعه منابع دانشگاه فرهنگیان، پردیس فاطمه الزهرا

y.tavakkoli@cfu.ac.ir

۲ - استادیار و عضو هیات علمی گروه معارف و تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، تبریز، ایران

۳ - دانشجوی کارشناسی مشاوره و راهنمایی دانشگاه فرهنگیان اردبیل

۴ - دانشجوی کارشناسی ابتدایی دانشگاه فرهنگیان تبریز

شناسایی علل و عوامل بی‌انگیزگی فراگیر می‌پردازد که این عوامل عبارتند از: عوامل آموزشی، عوامل محیطی، عوامل شخصی، عوامل خانوادگی و دوستان و همکلاسان. در قدم دوم به مطالعه شخصیت و نقاط قوت و ضعف و استعدادها و توانایی‌های دانش‌آموز می‌پردازد که عبارتند از: توانایی‌هایی جسمی و توانایی ذهنی و علایق ایشان. در قدم سوم معلم با مداخله درست، فراگیر را در مرکز توجه خود قرار داده و توانایی‌ها و استعدادهای فراگیر را تقویت و حس اعتماد به نفس را در او بیدار می‌کند و رفته رفته انگیزه زندگی و پیشرفت تحصیلی در فراگیر ایجاد می‌گردد. بر این اساس، می‌توان از الگویی برای ایجاد انگیزه پیشرفت تحصیلی در فراگیران که مجموعه‌ی عوامل را در کنار خود ارائه و نمایه می‌کند، بهره برد.

**کلید واژه:** انگیزه، پیشرفت تحصیلی، معلم، دانش‌آموز، روایت‌پژوهی

#### مقدمه

انگیزه پیشرفت تحصیلی، موتور محرکه و نیروی پیشران دانش‌آموز در فرایند تحصیل و طی مقاطع و مدارج آموزشی و علمی است. امروزه یکی از چالش‌ها و مشکلات مدارس و خانواده‌ها، پایین بودن انگیزه‌ی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان است. پدران و مادران در کنار اولیای مدرسه به دنبال پیدا کردن راهی برای بالابردن انگیزه‌ی پیشرفت تحصیلی فرزندان خود هستند. علل و عوامل متعددی در افزایش و کاهش انگیزه‌ی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دخیل و تاثیرگذار هست. این علل و عوامل را می‌توان به طور کلی به سه دسته‌ی: عوامل آموزشی، عوامل خانوادگی و سایر عوامل تقسیم کرد و نقش معلم به عنوان عنصر اصلی و کارگزار مهم آموزشی، نقش ممتاز و اول را دارد.

انگیزش را می‌توان میل به کوشش فراوان برای تأمین یک هدف تعریف کرد به گونه‌ای که این تلاش در جهت ارضای برخی از نیازهای فردی سوق داده شود؛ بنابراین انگیزش را می‌توان یک فرایند ارضای نیاز به حساب آورد. (رهنورد، ۱۳۹۴، رابینز، ۱۹۹۷، ص ۳۳). بر طبق بخشی از نظریه انگیزشی خود مختاری دسی و ریان (۱۹۸۵) نیازهای روانشناسی اساسی عبارتند از: استقلال، شایستگی و ارتباط. به نظر می‌رسد که شرایط تمرینی که باعث برآورده شدن این نیازها می‌گردند، به بهبود اجرا کمک می‌کنند (لوث

وایت و ولف، ۲۰۱۰). نظریه خودمختاری بین انواع گوناگون انگیزش بر اساس علل و یا اهداف گوناگونی که باعث انجام فعلیتی می‌شود، تمایز قایل است. اساسی‌ترین تمایز بین انگیزش درونی و بیرونی است (دسی و ریان، ۱۹۸۵). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که انگیزش درونی رابطه مثبتی با نیازهای بنیادین روانشناختی دارد، اما رابطه انگیزش بیرونی با این نیازها بسیار ضعیف است (کاریرا، ۲۰۱۲). به نظر می‌رسد زمانی که از نیازهای بنیادین افراد برای شایستگی و استقلال حمایت می‌شود آنها به طور فعال با فعالیت‌های یادگیری درگیر می‌شوند و ارزش‌های وابسته به محیط آموزشی را درونی می‌کنند (چن و جانگ، ۲۰۱۰). لذا اگر شرایط حین یادگیری فرصت حق انتخاب را فراهم کند، ممکن است منجر به برآورده شدن نیاز استقلال و شایستگی در افراد گردد (لوث وایت و ولف، ۲۰۱۲)؛ که این امر به نوبه خود می‌تواند بر انگیزش و رفتار نیز اثر گذاشته و باعث تقویت محیط روانی و نیازهای روانی فراگیر گشته و منجر به تغییر بلند مدت در رفتار دلخواه گردد (قناعتیان جهرمی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۱۵، سانلی و همکاران، ۲۰۱۳).

در هر جامعه‌ای آموزش و پرورش بستر رشد و پیشرفت فردی و اجتماعی را فراهم می‌کند. این تعلیم و تربیت است که باعث اعتلای فرد و جامعه یا زوال و زبونی فردی و اجتماعی می‌شود. هدف تعلیم و تربیت در جوامع کنونی فقط انتقال دانش از نسل قدیم به نسل جدید و صرفاً تقویت قوای ذهنی فراگیران نیست، بلکه توسعه و پرورش همه جانبه مد نظر است (سند تحول بنیادین، ۱۳۹۰). به طوریکه در مبانی نظری تحول بنیادین آموزش و پرورش در تعریف تربیت آمده است: تربیت عبارت است از فرایند تعاملی زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متربیان، به صورتی یک‌پارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی، به منظور هدایت ایشان در مسیر آماده شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد است (دبیرخانه شورای عالی آموزش، ۱۳۹۰).

در همین راستا معلمان، نقش اصلی را در تعلیم و تربیت افراد جامعه بر عهده دارند و با گفتار و رفتار خود به عنوان الگوی متربیان بر آنها تأثیر می‌گذارند. مقام معظم رهبری با تأکید بر نقش معلم می‌فرمایند: در حقیقت معلمین، افسران سپاه پیشرفت کشورند، چون

آموزش و پرورش وسیله پیشرفت کشور است (سخنرانی آیت الله خامنه ای در جمع مسئولان آموزش و پرورش، ۱۳۹۹).

یکی از مهمترین ویژگی هایی که یک معلم باید داشته باشد، شناخت استعدادها و توانایی های دانش آموزان و ایجاد انگیزه و اراده در آنها با استفاده از روشهای مختلف است تا این دانش آموزان در مسیر موفقیت گام بردارند و در برابر مسایل و مشکلاتی که در طول این مسیر ممکن است برایشان اتفاق بیفتد تسلیم نشده و با تکیه بر همین انگیزه و اراده خود مسیر موفقیت را بیمایند و به قله های پیشرفت و ترقی دست یابند.

نقش معلم در ایجاد انگیزه در دانش آموزان یک نقش کلیدی و مهم است. به گونه ای که یک معلم توانمند می تواند به واسطه شناختی که از دانش آموزان به دست می آورد، استعدادها و توانایی های آنها را کشف کرده و با استفاده از روشهای مختلف باعث افزایش انگیزه و ترغیب دانش آموزان به یادگیری شود. معلم باید در کلاس درس یک فضای مثبت و امیدوار کننده ایجاد کند و باعث افزایش انگیزه دانش آموزان برای یادگیری و پیشرفت تحصیلی شود. معلمان باید یک محیط پویا و فعال را ایجاد کنند به گونه ای که همه دانش آموزان بتوانند در کلاس مشارکت داشته باشند و از شیوه سنتی و معلم محور فاصله بگیرند. مشارکت دانش آموزان در فعالیتهای کلاسی به طور چشم گیری در افزایش انگیزه دانش آموزان تأثیر خواهد گذاشت ولی در عین حال معلم نباید اجازه سوء استفاده را به دانش آموزان بدهد و در مدیریت کلاس باید از اقتدار کافی برخوردار باشد.

یکی از مسائل و مشکلاتی که امروزه در مدارس ما وجود دارد مسأله کاهش انگیزه و رغبت دانش آموزان به پیشرفت تحصیلی است. دلایل زیادی وجود دارد که باعث می شود این انگیزه و رغبت در دانش آموزان کاهش یابد. برای نمونه می توان به حجم بالای کتب درسی، عدم تناسب آموزش با نیا های واقعی دانش آموزان، تاکید بر حافظه محوری و دوری از فعالیت های اجتماعی و عملی بر اساس نیازهای واقعی فراگیران، نامناسب بودن محیط آموزشی، رفتار خشونت آمیز معلمان، عوامل مدرسه و مشکلات خانوادگی و غیره اشاره کرد.

در این پژوهش که به روش روایت پژوهی انجام گرفته است، می خواهیم روایت معلمی را از تجربه ی زیسته اش در آموزش، مورد بررسی و تفسیر قرار دهیم که در عین شگفتی

و تعجب، نهال امید و زندگی را در دانش‌آموز خود زنده و پرورانده است. دانش‌آموزی که در برهه‌ای از زندگی تحصیلی خویش، گمشده خود را پیدا نکرده و در اثر بی‌توجهی و یا کم‌تجربگی معلم دچار افت تحصیلی و کاهش انگیزه برای ادامه مسیر شده است. این روایت توسط معلمی که سال اول تدریس خود را در یکی از روستاهای اطراف شهرستان هشتروند در پایه سوم ابتدایی آغاز می‌کند، بیان شده است. این معلم با انگیزه و جوان، با وجود تجربه کم خود همانند یک معلم باتجربه و دلسوز، متوجه می‌شود که یکی از دانش‌آموزان هنگام پرسش و سوال، دچار لکنت زبان می‌شود و به لحاظ درسی وضعیت نامناسبی دارد و دچار افت شدید انگیزه شده است؛ و این یک نقطه آغازی می‌شود تا علت ایجاد این مشکل را ریشه‌یابی کند و با روشهای مختلف تشویقی، ترغیبی و ارشادی باعث افزایش انگیزه و پیشرفت تحصیلی این دانش‌آموز شود. اینجاست که نقش و تأثیر معلم در کاهش و افزایش انگیزه در زندگی و پیشرفت تحصیلی یک دانش‌آموز نمایان می‌شود.

یکی از اهداف مهم نظام تعلیم و تربیت رسمی، ایجاد انگیزه در فراگیران و جلوگیری از افت تحصیلی است. هدف اصلی این پژوهش نیز مطالعه و طراحی الگویی از نقش معلم در ایجاد انگیزه پیشرفت و افت تحصیلی در دانش‌آموزان است؛ بنابراین می‌توان سوال اصلی این پژوهش روایی را به شرح ذیل تبیین نمود:

معلم چگونه می‌تواند باعث ایجاد انگیزه پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان شود؟

### پیشینه تحقیق

ایجاد انگیزه و تأثیرات آن بر افراد و گروه‌های مختلف همواره یکی از موضوعاتی است که مورد توجه پژوهشگران بوده و تحقیقات زیادی درباره آن انجام گرفته است. در پژوهشی که به بررسی نقش اخلاق حرفه‌ای معلمان در تقویت انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان می‌پردازد، نتایج پژوهش نشان می‌دهد اخلاق حرفه‌ای معلمان مورد مطالعه، بالاتر از حد میانگین جامعه است و میانگین انگیزش تحصیلی درونی و بیرونی دانش‌آموزان مورد مطالعه از میانگین مورد انتظار بیشتر است. همچنین روابط

ساختاری بین داده‌های متغیرهای اخلاق حرفه‌ای و متغیرهای انگیزش تحصیلی با استفاده از روش تحلیل معادلات ساختاری نشان می‌دهد که مدل تجربی از برازش خوب و معناداری برخوردار است و رابطه مثبتی بین اخلاق حرفه‌ای و انگیزش تحصیلی بیرونی و درونی وجود دارد. همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد تفاوت معناداری در نمره ارزیابی اخلاق حرفه‌ای معلمان بر اساس جنسیت، مقطع تحصیلی و نوع مدرسه (شهری و روستایی) وجود دارد. میانگین نمرات اخلاق حرفه‌ای معلمان زن به طور معناداری بیشتر از معلمان مرد است و میانگین نمرات متغیرهای اخلاق حرفه‌ای (احترام، اعتماد و عدم تبعیض) در معلمان روستایی بالاتر از معلمان شهری است (خاکپور و درویشی، ۱۳۹۵، ص ۱).

پژوهش دیگری با عنوان تاثیر الگوی طراحی آموزشی انگیزشی کلر بر یادگیری و انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان انجام گرفته است. نتایج این پژوهش که به بررسی تاثیر الگوی طراحی آموزشی انگیزشی کلر بر یادگیری و انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر پایه هشتم در درس علوم تجربی می‌پردازد، نشان داد که میزان یادگیری و انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزانی که با استفاده از الگوی طراحی آموزشی انگیزشی کلر آموزش دیده بودند، بیشتر از گروه کنترل بود (قاسمی سامنی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۸۵).

در پژوهش دیگری که با هدف بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم کیفیت رابطه والدین، انگیزه پیشرفت و انگیزه تحصیلی بر عزت نفس دانش‌آموزان انجام گرفته است، نتایج نشان داد که کیفیت زندگی والدین و انگیزه پیشرفت و همچنین انگیزه تحصیلی به عنوان متغیر میانجی بر عزت نفس دانش‌آموزان تأثیر دارد با توجه به یافته‌های این پژوهش می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که کیفیت روابط والدین و انگیزه پیشرفت و همچنین داشتن انگیزه تحصیلی باعث افزایش عزت نفس دانش‌آموزان شده و به طور کلی مدل پژوهش تأیید می‌شود (فرشاد و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱).

در تحقیق دیگری که به بررسی ارتباط عوامل فردی، خانوادگی، آموزشگاهی و اجتماعی بر انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان مقطع متوسطه انجام داده شده است؛ اطلاعات به دست آمده از تجزیه و تحلیل رگرسیون به منظور تعیین مهمترین عوامل پیش‌بینی‌کننده انگیزه

تحصیلی دانش‌آموزان نشان می‌دهد که مهمترین عامل پیش‌بینی کننده انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان به ترتیب عوامل آموزشی، خانوادگی، فردی و اجتماعی قرار داشتند و این نتیجه کلی به دست آمد که عوامل فوق در انگیزه تحصیلی تأثیر دارند (رحمانی و ساکی، ۱۳۹۶، ص ۱۲۶)

نتایج پژوهش؛ کارایی جمعی معلم، جو مدرسه و خوش‌بینی علمی معلم در موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان: سهم متغیر اثربخشی مدرسه، نشان داد، بین جو مدرسه، خوش‌بینی علمی و کارایی جمعی معلمان با اثر بخشی مدرسه رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین بین اثربخشی مدرسه با موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه معنی‌داری هست. اثربخشی مدرسه نقش میانجی در رابطه خوش‌بینی علمی، کارایی جمعی معلمان و جو مدرسه با موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان دارد (بلوچ، وکیلی یکان، حسنی، قلعه ای، ۱۳۹۹، ص ۲۵).

همچنین در پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان بر اساس راهبردهای انگیزشی، راهبردهای فراشناختی و هدف تحصیلی در درس علوم پایه نهم دبیرستان‌های شهرستان قم، نتایج حاصله نشان داد که بین راهبردهای انگیزشی، راهبردهای فراشناختی و هدف تحصیلی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در درس علوم پایه نهم رابطه معناداری وجود دارد؛ اما از بین متغیرهای فوق تنها متغیر هدف تحصیلی توانایی پیش‌بینی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را دارد. در نتیجه می‌توان گفت با فراهم‌سازی زمینه‌ها و برنامه‌هایی برای بهبود راهبردهای انگیزشی، فراشناختی و هدف تحصیلی دانش‌آموزان، پیشرفت تحصیلی آنان افزایش می‌یابد (بهرامی اسعد، رحیمی، حسین پور، ۱۳۹۹، ص ۵۱).

در پژوهشی دیگر با عنوان؛ رابطه بین فراگیر و معلم با تأکید بر رویکردهای نوین آموزشی، نویسندگان با رویکردی کیفی و از نوع تحلیلی فلسفی و با نگاهی تأملی مفهوم، جایگاه و نقش موثر معلم و فراگیر را در فرایند تعلیم و تربیت مورد بررسی قرار داده و با تبیین رابطه معلم با فراگیر و برعکس مشکلات معلم در برقراری رابطه اثربخش با فراگیران و همچنین مشکلات فراگیر در برقراری رابطه مؤثر با معلم و دیگران، مورد بحث و تحلیل قرار داده و به این نتیجه رسیدند که ارتباط مؤثر، یکی از وظایف محوری

آموزش مؤثر است، زیرا دانش‌آموزان عمدتاً در ارتباط مؤثر با دیگران است که نحوه‌ی تعامل سازنده و مثبتی را که در زندگی آینده‌ی آنان می‌تواند راهگشا باشد، یاد گرفته و مطالب علمی را نیز به صورتی اثربخش‌تر می‌آموزند. (شیروانی شیری، علی نوروزی، نعمت‌اللهی، ۱۳۹۸، ص ۳۰)

ایجاد انگیزه پیشرفت تحصیلی، یکی از موضوعات مهمی است که پژوهشگران تحقیقات زیادی درباره آن انجام داده‌اند که به تعدادی از تحقیقات انجام گرفته در این زمینه اشاره کردیم. نکته قابل توجه، کمی بودن بیشتر این پژوهش‌ها است و درباره ایجاد انگیزه پیشرفت تحصیلی پژوهش‌های کیفی زیادی صورت نگرفته است؛ بنابراین در این تحقیق که به صورت کیفی و با روش روایت‌پژوهی صورت گرفته است، ایجاد انگیزه پیشرفت تحصیلی به صورت موردی در دانش‌آموزان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### روش تحقیق

بر اساس ماهیت موضوع و سوال پژوهش به منظور پاسخ دادن به آن از رویکرد کیفی و روش روایت‌پژوهی و از ابزار مصاحبه بدون ساختار استفاده شده است. در پژوهش روایتی، محقق به توصیف چگونگی زندگی افراد می‌پردازد، عموماً بر مطالعه یک فرد خاص تمرکز دارد، اطلاعات خود را از طریق جمع‌آوری داستان‌ها فراهم می‌کند، از اطلاعاتی که جمع‌آوری کرده است برای بیان داستان زندگی آنان استفاده می‌کند. روایت‌هایی از تجارب زندگی افراد را به قلم می‌آورد و معنای این تجارب را ارائه می‌کند. طرح پژوهشی روایتی شامل به تصویرکشیدن افراد، مستندسازی تجارب آنان، بازگو کردن صدای آنان و ارائه دیدگاه‌های آنان در بافت اجتماعی و فرهنگی معین است. این بدان معناست که پژوهشگر تحقیقات روایتی بر اهمیت یادگیری از مخاطبان مورد مطالعه‌ی خود تاکید دارد (یاری، ۱۳۹۴، ص ۲۰).

روایت، دروازه ورود فرد به جهان است و تجربه‌ای افراد را در جهان تفسیر می‌کند و به آن معنی می‌بخشد. پژوهش روایتی مطالعه تجربه در قالب روایت است و در درجه اول اندیشه ما درباره جهان را نشان می‌دهد. استفاده از پژوهش روایتی انتخاب دیدگاه خاصی درباره تجربه همچون پدیده‌ای قابل مطالعه است. کلندینین و کانلی بر اساس



نظریه دیویی درباره تجربه پژوهش روایی را این گونه تعریف می‌کنند: روش فهم تجربه، متضمن همکاری بین محقق و مشارکت‌کنندگان در تحقیق است. این مشارکت در طی زمان و در یک مکان یا مکان‌های مختلف و در تعامل اجتماعی با محیط صورت می‌گیرد. محقق در محیط تجربه و میان آن وارد می‌شود و با همان روحیه جلو می‌رود و مانند راوی زندگی مجدد می‌کند و قصه او را بازگو می‌نماید. (عطاران و عبدلی، ۱۳۹۱، ص ۴۸، کلان‌دینین و کانلی، ۲۰۰۰).

در تحقیق روایی حاضر، روایت یک معلم ابتدایی در روستایی از توابع شهرستان هشتروند مورد پژوهش قرار گرفته است. این معلم تجربیات اولین سال تدریس و آموزش خود را که چگونه باعث ایجاد انگیزه پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان شده، در اختیار ما قرار داده است. در این روایت معلم در روستا با موضوعات مختلفی که دغدغه اکثر معلمان است، کار خود را آغاز می‌کند. این که چرا دانش‌آموزان به پیشرفت تحصیلی دست پیدا نمی‌کنند، انگیزه‌ای برای پیشرفت ندارند و چه عواملی باعث ایجاد و یا از بین رفتن انگیزه می‌شود؟ اینها مواردی است که بعد از مدتی حضور در کلاس با آنها مواجه شده و به دنبال یافتن علت آنهاست تا بتواند به دانش‌آموزانش در ایجاد انگیزه برای پیشرفت تحصیلی کمک کند. در این تحقیق، ابتدا فایل صوتی مصاحبه نوشته شده و به صورت دقیق مورد بررسی قرار گرفته و کدگذاری صورت گرفته است. سپس کدهایی که به نوعی با هم قرابت معنایی داشتند، در کنار هم قرار گرفتند و از میان آنها چند مقوله انتخاب شدند و در مرحله آخر الگوی ایجاد انگیزه با توجه به تفسیری که از تم‌های به دست آمده، ارائه شده است.

## یافته‌ها

سوال مصاحبه: لطفا تجربه زیسته‌ی خود را درباره دانش‌آموزان بی‌انگیزه و چگونگی ایجاد انگیزه پیشرفت تحصیلی در آنها (مورد خاص) بیان کنید؟  
اولین تجربه معلمی من در یک روستای دورافتاده و در شرایط خاصی رقم خورد. برای اولین بار بود که وارد کلاس سوم ابتدایی می‌شدم و با تعدادی از دانش‌آموزان با محبت

روستایی مواجه شدم. دانش‌آموزان با هم صحبت می‌کردند و به همدیگر می‌گفتند: معلم امسال ما چطور خواهد بود؟ یکی می‌گفت به نظر می‌رسد پرخاشگر باشد و تنبیه کند. دیگری می‌گفت معلم آرامی به نظر می‌رسد. ولی آنچه نظر من را جلب کرد، صداقت روستایی بود که از همان روز اول می‌توانستم در چشمانشان ببینم. پس از تقسیم کلاس‌ها بین دو معلم، سه کلاس دوم، سوم و چهارم ابتدایی نصیب من شد و معلم دیگری مسئولیت آموزش سه پایه دیگر را بر عهده گرفت.

در ابتدای کار می‌خواستم با دانش‌آموزان ارتباط برقرار کنم و اول با معرفی خودم شروع کردم و سپس خواستم دانش‌آموزان خودشان را معرفی کنند. از آنان درباره شغل مردم این روستا، طبیعت و فعالیت‌هایی که بچه‌ها در روستا انجام می‌دهند پرسیدم و متوجه شدم دانش‌آموزان دید مثبتی درباره من پیدا کرده‌اند. سپس وضعیت بهداشتی تک تک دانش‌آموزان را بررسی کردم و به پوشش آنها دقت کردم و تا حدودی شناختی در مورد وضعیت مالی و بهداشتی آنان به صورت غیر مستقیم پیدا کردم.

بعد از آن نسبت به ارزیابی وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان پرداختم. این کار را با پرسش سوال‌هایی ساده و آسان از دروس مختلف شروع کردم و مشاهده کردم دانش‌آموزان رغبت و انگیزه‌ای برای پاسخ به این سوالات آسان ندارند. تصمیم گرفتم یک آزمون آغازین برای شناخت وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان طراحی کنم و یک زمانی برای این آزمون تعیین کردم. پس از بررسی نتایج آزمون مشاهده کردم که اکثر دانش‌آموزان در وضعیت نامناسب تحصیلی قرار دارند.

بعد از آن بود که تصمیم گرفتم علت این بی‌انگیزگی دانش‌آموزان در تحصیل را بفهمم. ابتدا از دانش‌آموزان درباره معلم قبلی سوالاتی پرسیدم و از مدیر مدرسه هم اطلاعاتی از دبیران قبلی این دانش‌آموزان به دست آوردم و متوجه شدم که یکی از دلایل اصلی عدم رغبت برای پاسخ دادن ناشی از کمبود آموزش مناسب و کافی در سال‌های قبل بوده است. یکی از مشکلات رایج در آموزش و پرورش، به کارگیری سربازمعلم و یا معلمان حق‌التدریس است که به دلایل مختلف خودشان انگیزه و دانش کافی برای آموزش و پرورش دانش‌آموزان را ندارند و به کارگیری این افراد در مدارس روستایی و

دور افتاده، باعث می‌شود دانش‌آموزان آموزش‌های لازم را کسب نکنند و استعداد هایشان نهفته باقی بماند و دچار کاهش انگیزه پیشرفت تحصیلی شوند.

با دیدن این مشکلات تصمیم گرفتم که یک زمان‌بندی سه ماهه برای آموزش دروسی که دانش‌آموزان در آنها با مشکل مواجه بودند، طراحی کنم و در کنار این برنامه برای سایر دانش‌آموزان طبق بارم کتاب درسی آموزش‌های لازم را ارائه کردم. در کنار این طرح سعی کردم والدین این کودکان را درگیر آموزش کنم، ولی چون پدرانشان در سایر شهرها مشغول به کار بودند و به صورت فصلی در روستا حاضر می‌شدند، نتوانستم با والدین ارتباط برقرار کنم. از جهتی به دلیل مسائل فرهنگی حاکم بر روستا، مادران به هیچ عنوان برای آمدن به مدرسه حاضر نمی‌شدند که این کار من را سخت‌تر کرد.

در ابتدای سال تحصیلی، به صورت مجزا به آموزش حروف الفبایی و اعداد برای دانش‌آموزانی که شناختی از حروف و اعداد نداشتند، پرداختم. از مجموع ۱۴ دانش‌آموز در سه پایه دوم، سوم و چهارم حدود ۷ نفرشان نیازمند توجه ویژه بودند، زیرا در سطح دانش‌آموز اول ابتدایی و حتی ضعیف‌تر بودند. با آموزش‌های لازم ۶ نفر از آنها به پیشرفت قابل قبولی رسیدند و به جمع هم‌کلاسی‌های خود پیوستند. ولی یکی از دانش‌آموزان به نام یوسف همچنان دارای مشکلات آموزشی بود.

یوسف از نظر رنگ پوست با سایر دانش‌آموزان فرق می‌کرد و موهای قرمز رنگ و صورتی پر از خال‌های قرمز داشت. از سه ماهه دوم سال تحصیلی این دانش‌آموز مورد توجه من قرار گرفت. هم به خاطر وضعیت تحصیلی و هم این که از طرف سایر دانش‌آموزان به جهت رنگ پوست خاص مورد آزار قرار می‌گرفت. در ابتدا به دانش‌آموزان تذکراتی در خصوص آزار و عواقب آن گفتم ولی آنان باز هم رعایت نمی‌کردند و فقط در حضور من از تمسخر او امتناع می‌ورزیدند و زمانی که من حضور نداشتم، دوباره به مسخره کردن و لقب‌دادن می‌پرداختند.

با این شرایط تصمیم گرفتم خود دانش‌آموز را مورد توجه بیشتر قرار دهم. ابتدا به ارزیابی توانایی‌های دیگر این دانش‌آموز پرداختم و با بررسی‌هایی که انجام دادم، مشاهده کردم که در دوییدن، پرش و تقلید صدای حیوانات مهارت خاصی دارد. از این رو سعی

کردم با تشویق و توجه، این مهارت‌ها را در وی تقویت کنم. به این شکل که وقتی صدای پرندگان را در می‌آورد، او را تشویق کردم و گاهی مسابقات دو و میدانی راه می‌انداختم و از این که این دانش‌آموز نفر اول شد، شور و شوق و انگیزه بسیاری در او ایجاد شد. سپس موفقیت در این مهارت‌ها را به آموزش تعمیم دادم. به این صورت که اگر در درس پیشرفت قابل ملاحظه‌ای پیدا کنی، به عنوان پاداش مسابقه دو و میدانی برگزار خواهم کرد.

در این میان متوجه شدم که از نظر هوش در وضعیت خوبی است، ولی زمانی که تحت فشار قرار می‌گیرد، دچار تنش و استرس شده و لکنت زبان پیدا می‌کند و اینها باعث کاهش انگیزه در او می‌شود. اینجا بود که سعی کردم همیشه در شرایط به دور از استرس و تنش با این دانش‌آموز کار کنم و ملاحظه کردم که به تشویق شدن خیلی علاقه دارد و با تشویق انگیزه بسیاری برای انجام کارها پیدا می‌کند.

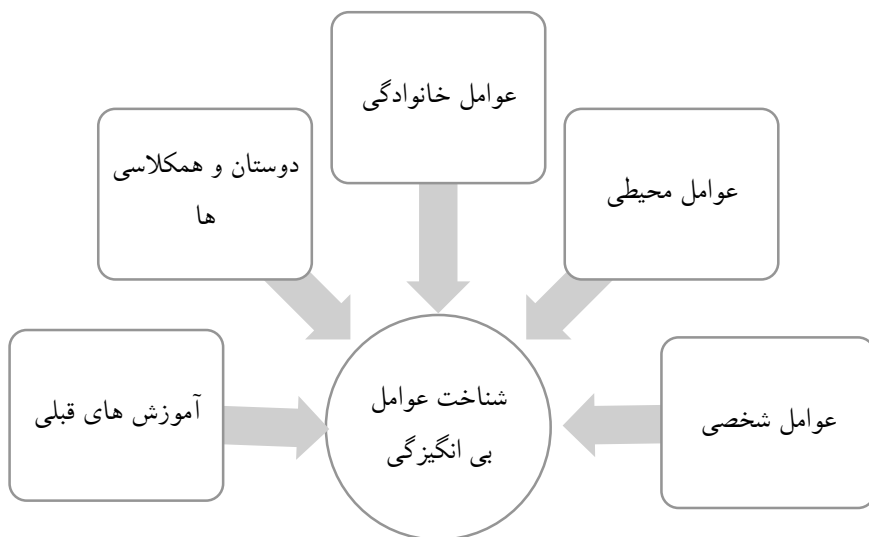
بنابراین از روش تشویق مثبت استفاده کردم و به آموزش وی پرداختم و با تکرار و تمرین مشاهده کردم که در عرض یک ماه به پیشرفت قابل ملاحظه‌ای دست پیدا کرد؛ و در کنار این اعتماد به نفس، انگیزه پیشرفت تحصیلی در وی بیشتر شد تا اینکه حتی به اظهار نظر و پاسخ به سوالات می‌پرداخت. چون از طرفی هم تشویق می‌شد و مورد توجه قرار می‌گرفت، دیگر به تمسخر دانش‌آموزان دیگر توجه نمی‌کرد و لکنت زبان وی در کلاس حذف شد و به عنوان تشویق او را سر گروه کلاس کردم. بچه‌های دیگر وقتی می‌دیدند که دانش‌آموز مورد نظر من به پیشرفت تحصیلی خوب دست یافته و در تمرین‌های کتاب به همه کمک می‌کند، به این دانش‌آموز نیاز پیدا کردند و نه تنها تمسخر نمی‌کردند، بلکه به عنوان یک دوست صمیمی با ایشان ارتباط برقرار کردند. در کنار پیشرفت‌های این دانش‌آموز، بقیه دانش‌آموزان نیز دچار افزایش انگیزه برای پیشرفت در تحصیل شده بودند و همگی در فعالیت‌های کلاسی مشارکت فعال داشتند. دانش‌آموزی که در یک جمله ۲۰ کلمه‌ای ۱۵ کلمه را غلط می‌نوشت دیگر نه تنها همه کلمات را درست می‌نوشت، بلکه سریع‌تر از بقیه دانش‌آموزان تمام می‌کرد.

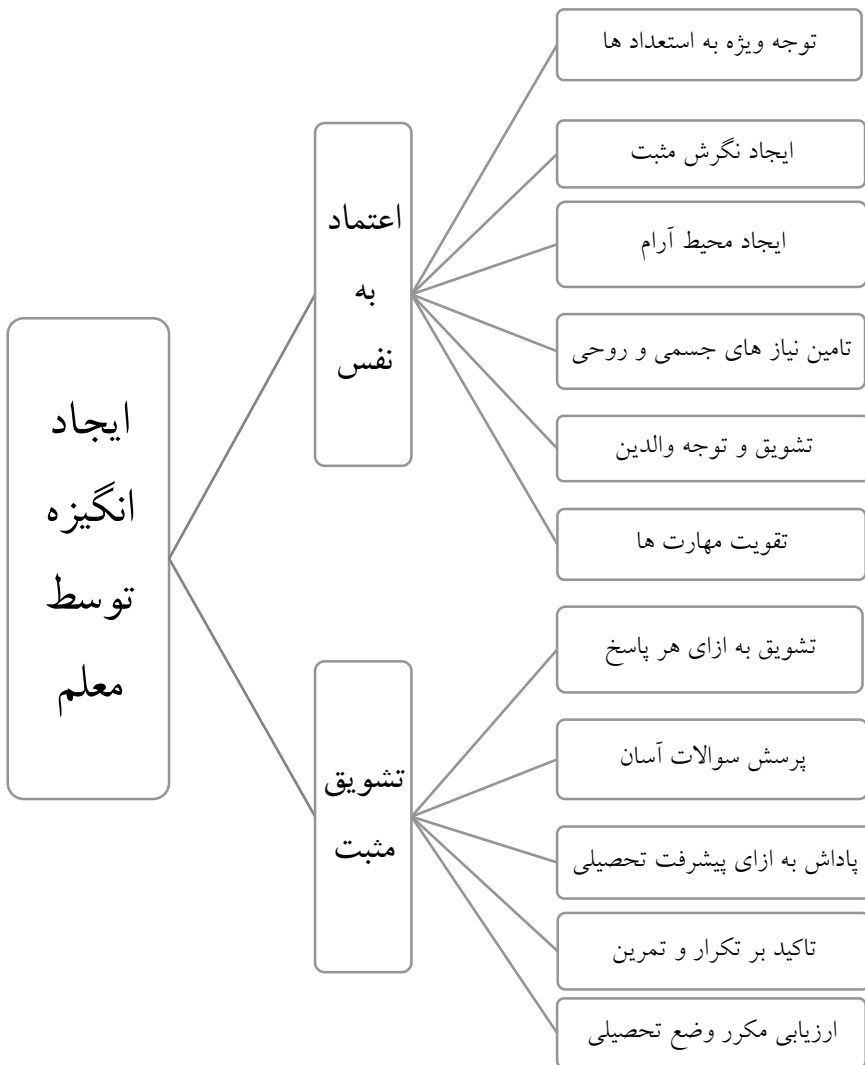
جدول ۱-۱: کدگذاری باز، محوری و گزینشی نحوه ایجاد انگیزه پیشرفت تحصیلی توسط معلم

کد گذاری گزینشی	کد گذاری محوری	کد گذاری باز
شناخت عوامل بی انگیزگی	عوامل محیطی	دوری روستا از شهر کار در سایر شهرها فقر بهداشتی فقر فرهنگی محیط استرس زا
	عوامل شخصی	ظاهر صورت رنگ مو رنگ پوست لکنت زبان
	عوامل خانوادگی	بی توجهی والدین به آموزش عدم مشارکت والدین در آموزش نبود آگاهی در والدین فرهنگ پایین خانواده اقتصاد ضعیف خانواده بی توجهی والدین به نیاز روحی کودکان
	دوستان و همکلاسان	تمسخر بی توجهی لقب دادن دوری کردن پس زدن

	عوامل آموزشی	<p>کلاس چند پایه  سرباز معلم  معلم حق التدریس  درگیر نمودن والدین در آموزش  نبود آموزش مناسب و کافی  عدم برقراری ارتباط مناسب با دانش  آموزان  نبود دانش و تخصص در تدریس  ضعف اخلاق حرفه ای</p>
شناخت استعداد و علائق	توانایی ذهنی	<p>با هوش بودن  کمک درسی به همکلاسی ها  پاسخگویی به سوالات  اظهار نظر در کلاس</p>
	توانایی جسمی	<p>علاقه به دویدن  علاقه به پرش  تقلید صدای حیوانات</p>
	تشویق مثبت	<p>پرسش سوالات آسان  تشویق کردن به ازای هر پاسخ  روی خوش نشان دادن  تاکید بر تکرار و تمرین  ارزیابی مکرر وضعیت تحصیلی  پاداش به ازای پیشرفت تحصیلی</p>

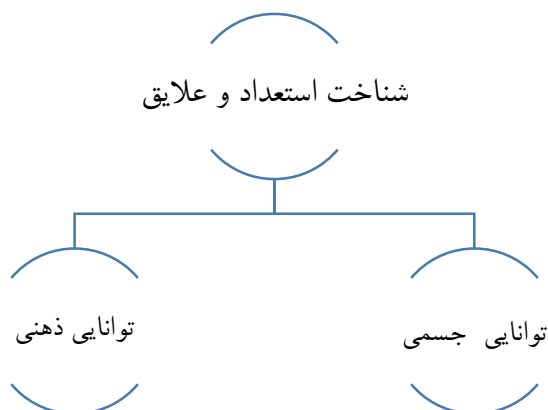
ایجاد انگیزه توسط معلم	اعتماد به نفس	توجه ویژه به استعداد ها ایجاد نگرش مثبت تقویت مهارت ها تشویق و توجه والدین ایجاد محیط آرام تامین نیاز های جسمی و روحی
------------------------	---------------	--





شکل ۱-۱: الگوی ایجاد انگیزه توسط معلم





### بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد، معلم نقش اساسی در ایجاد انگیزه پیشرفت تحصیلی و یافتن تحصیلی دانش‌آموزان دارد. شناخت معلم از فراگیر و شرایط او، استعدادها و توانایی او، علایق و ارزش‌های او، از یک طرف و مداخله‌ی عالمانه و درست او، از طرف دیگر، می‌تواند انگیزه‌ی زندگی و پیشرفت تحصیلی فراگیر را فراهم کند. معلم با مشاهده‌ی یأس و ناامیدی و افت تحصیلی فراگیر، حساس و کنجکاو می‌شود تا علل و عوامل این یأس و بی‌انگیزگی را بررسی کند. در قدم اول به شناسایی علل و عوامل بی‌انگیزگی فراگیر می‌پردازد که این عوامل عبارتند از: عوامل آموزشی، عوامل محیطی، عوامل شخصی، عوامل خانوادگی و دوستان و هم‌کلاسان. در قدم دوم به مطالعه شخصیت و نقاط قوت و ضعف و استعدادها و توانایی‌های دانش‌آموز می‌پردازد که عبارتند از: توانایی‌های جسمی و توانایی ذهنی و علایق ایشان. در قدم سوم معلم با مداخله درست، فراگیر را در مرکز توجه خود قرار داده و توانایی‌ها و استعدادها را فراگیر را تقویت و حس اعتماد به نفس را در او بیدار می‌کند و رفته رفته انگیزه زندگی و پیشرفت تحصیلی در فراگیر ایجاد می‌گردد. معلمان می‌توانند با استفاده از این الگو، فراگیرانی را که انگیزه‌ی زندگی و پیشرفت تحصیلی ندارند، در مسیر زندگی و پیشرفت قرار دهند.

یافته‌های این تحقیق توسط پژوهش‌های صورت گرفته؛ (خاکپور و درویشی، ۱۳۹۵، ص ۱)، (قاسمی سامنی و همکاران، ۱۳۹۹)، (فرشاد و همکاران، ۱۳۹۴)، (رحمانی و ساکی، ۱۳۹۶)، (بلوچ، وکیلی یکان، حسنی، قلعه ای، ۱۳۹۹)، (بهرامی اسعد، رحیمی، حسین پور، ۱۳۹۹)، مورد تأیید و در بسیاری از موارد همپوشانی کامل دارد. برای نمونه نتایج پژوهش (خاکپور و درویشی، ۱۳۹۵) نشان می‌دهد رابطه مثبتی بین اخلاق حرفه‌ای معلم و انگیزش تحصیلی بیرونی و درونی فراگیر وجود دارد.

از جمله مهمترین محرومیت‌های مناطق کم برخوردار، فقر فرهنگی و عدم برخورداری مردم از امکانات فرهنگی و آموزشی است. در سند تحول آموزش و پرورش به عدالت آموزشی و در دسترس بودن آموزش رایگان و برخورداری همه آحاد از امکانات تاکید شده است، اما عملاً عدالت آموزشی در این مناطق به جای کاستن از محرومیت فرهنگی سبب تعمیق آن می‌گردد. استفاده از سرباز معلم، حق التدریس و خرید خدمت از جمله عوامل افت تحصیل و کاهش انگیزه‌ی پیشرفت تحصیلی در این مناطق است. چنانکه از یافته‌های جدول شماره ۱-۱ و نیز شکل شماره ۱-۱ می‌توان دریافت از جمله عوامل مهم آموزشی که بستر افت تحصیلی و بی‌انگیزگی فراگیران را در این مناطق فراهم می‌کند، کیفیت و کمیت معلمان و مختصات و ویژگی‌های آنان در کنار عوامل دیگر است. هرچند که عوامل خانوادگی چون؛ فرهنگ و سطح سواد والدین، شرایط اقتصادی خانواده و سایر عوامل نیز بی‌تأثیر نیستند.

## منابع

بهرامی اسعد، اکرم و رحیمی، حسن و حسین پور، فاطمه (۱۳۹۹) مجله توسعه حرفه ای معلم، دوره ۵، شماره ۳ - شماره پیاپی ۱۷، پاییز ۱۳۹۹، صفحه ۶۱ - ۵۱.

بلوچ، سلیم و وکیلی یکان، طیبه و حسنی، محمد و قلعه ای، علیرضا (۱۳۹۹) مجله توسعه حرفه ای معلم، شماره جاری: دوره ۵، شماره ۴ - شماره پیاپی ۱۸، زمستان ۱۳۹۹، صفحه ۴۲-۲۵

حضرت آیت الله خامنه ای (۱۳۹۹). بیانات مقام معظم رهبری در ارتباط تصویری با مدیران آموزش و پرورش. شهریور ۱۳۹۹.

خاکپور، عباس. درویشی، حسین (۱۳۹۵). نقش اخلاق حرفه ای معلمان در تقویت انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، فصلنامه علمی پژوهشی تدریس پژوهی، سال چهارم، شماره ۳، زمستان ۱۳۹۵.

رهنورد، رامین (۱۳۹۴). تاثیر انگیزه درونی و بیرونی بر انتقال دانش، دانشکده مدیریت دانشگاه هوایی شهید ستاری، زمستان ۱۳۹۴.

رحمانی، علی. ساکی، رضا (۱۳۹۶). بررسی ارتباط برخی عوامل موثر بر انگیزش تحصیلی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مقطع متوسطه، فصلنامه مطالعات، مدیریت و حسابداری، دوره ۳، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۶.

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). دبیر خانه شورای عالی انقلاب فرهنگی. ۲۶.

شیروانی شیرینی، علی و علی نوری رضا و نعمت الهی، سوسن (۱۳۹۸) رابطه بین فراگیر و معلم با تأکید بر رویکردهای نوین آموزشی، فصلنامه آموزش پژوهی، دوره و شماره: دوره ۵، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۹۸.

عطاران، محمد. عبدلی، مصطفی (۱۳۹۱). فرهنگ یادگیری مدرسه عشایر کوچ رو: روایت های یک معلم. فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، سال هفتم، شماره ۲۵، تابستان ۱۳۹۱، ص ۴۵ تا ۶۴.

فرشاد، محمد رضا. سلیمی بجستانی، حسین. اسماعیلی، کوروش. حبیبی، یوسف (۱۳۹۴). اثرات مستقیم و غیرمستقیم کیفیت رابطه والدین، انگیزه پیشرفت و انگیزه تحصیلی بر عزت نفس دانش آموزان.

فناعتیان جهرمی، فاطمه. ارشم، سعید. یاعلی، رسول (۱۳۹۸). تاثیر نوع بیان آموزشی بر انگیزش درونی و یادگیری حرکتی دانشجویان، فصلنامه روانشناسی تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی، سال پانزدهم، شماره ۵۲، تابستان ۹۸، ص ۱۱۳ تا ۱۳۱.

قاسمی سامنی، متین. فلاحی، مریم. کماسی، مهدی (۱۳۹۹). تاثیر الگوی طراحی آموزشی انگیزشی کلر بر یادگیری و انگیزش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، فصلنامه آموزش پژوهی، دوره ششم، شماره ۲۱، بهار ۱۳۹۹.

مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، دبیر خانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰.

یاری، فاطمه (۱۳۹۴). مقدمه ای بر پژوهش در آموزش و پرورش با تاکید بر پژوهش روایی.

Carreira, J. M. (2012). Motivational orientations and psychological needs in EFL learning among elementary school students in Japan. *System*, 40(2), 191-202.

Chen, k. C. & Jang, S. J. (2010). Motivation in online learning: Testing a model of self- determination theory. *Computers in Human Behavior*, 26(4), 741-752.

Clandinin, D.J. & Connelly, F.M. (2000). *Narrative inquiry: Experience and story in qualitative research*. San Francisco: Jossey-Bass. CA.

Deci, E. L. & Ryan, R. M. (1985). Cognitive evaluation theory. In *Intrinsic motivation and self-determination in human behavior* (pp. 43-85). Springer, Boston, MA.

- Lewthwaite, R. & Wulf, G. (2010). Grand challenge for movement science and sport psychology: embracing the social-cognitive-affective-motor nature of motor behavior. *Frontiers in psychology*, 1, 42.
- Ewthwaite, R. & Wulf, G. (2012). 10 Motor learning through a motivational lens. *Skill acquisition in sport: Research, theory and practice*, 173.
- Robbins, S.P. (1997). *Organizational Behavior: Concepts, Controversies & Applications*, NJ: Prentice-Hall.
- Sanli, E. A, Patterson, J. T. Bray, S. R. & Lee, T. D. (2013). Understanding self- controlled motor learning protocols through the self-determination theory. *Frontiers in psychology*, 3, 611.

# **Designing and explaining the role of teachers in motivating the students' academic achievement: A qualitative research through narrative research method**

---

Yasin Tavakoli

Homa Rahmani

Rohellah Tavakoli

Abdollah Tavakoli

---

## **Abstract**

This study investigated the role of teachers in motivating students' academic achievement. This research has been done as a case study with a qualitative approach and narrative research method. Findings of this study show that the teacher has a key role in motivating students' academic achievement or academic failure. The teacher becomes sensitive and curious by observing despair and hopelessness and widespread academic failure to investigate the causes and factors of this despair and apathy. In the first step, it identifies the causes and factors of general lack of motivation, which include: educational factors, environmental factors, family factors, and friends and classmates. In the second step, it studies the personality and strengths and weaknesses and talents and abilities of the student, which are: physical abilities and mental abilities and their interests. In the third step, the teacher, with the right intervention, puts the learner in the center of his attention and strengthens the learner's abilities and talents and awakens his sense of self-confidence, and gradually the learner's motivation for life and academic progress is created. Based on this, a model can be used to motivate students' academic achievement, which presents and indexes the set of factors along with it.

**Keywords:** Motivation, Academic Achievement, Teacher, Student, Narrative Studies